

هویدا، از بودجه و سیاست دولت دفاع کرد

جامعه ما جامعه ایرانی است که مار اخلاق کرده و تنها کار ما اینست که خادم جامعه باشیم

پیغام امروز

سال ۱۳۴۹ - شاهد ۳۱۸۹ - ۵ دی ۱۳۴۹ - ۱۳۴۹ - ۳، ارس ۱۳۷۱ - شاهد ۲ ریال
هویدا نخست وزیر پیروزی هیئت اجرایی و دفتر سیاسی حزب ایران نوین در چله دیروز دوران
مرکزی حزب اعلام کرد.

دولت بر نامه چهار سال آینده خود را در کنگره بزرگ حزب مطروح میکند

و کاندیداهای انتخاباتی حزب ایران نوین
آفرایی میان مردم میمیرند
و کثر کلایی دیگر کل حزب اعلام کرد
۳۵۰۰ نهاده در کنگره بزرگ حزب
ایران نوین شرکت خواهند کرد



اخطر رسمی ایران درباره روش اسرائیل: وزارت خارجه ایران اعلام کرد اگر اسرائیل بیشنهادهای مصادر اپیدزی دو قطعنامه شورای امنیت را اجزا انتکند ایران اسرائیل را

محکوم میکند

اراشی دیکشنری پیروزی امور
خارجی ایران بیانیه میری
شده است. پیروزی از این اسلو
تر انتشار یافت،
اعلیحضرت حاکم شاهنشاه
آرامیده روزنختم ۲۷ دی ۱۳۶۷
بوسیله اسرائیل عرب اسما
اعلام فرمودند که دوران اشتغال



دانشگاه ملی ایران

بدینوسیله باطلعه مارسانه که انجویان
سال سوم هفته هماناری باید برای ثبت نام مجدد از ساعت
۲۴ بعد از ظهر روز شنبه ۱۵ آستانه ۱۳۴۹ در اجراه نهادند.

پیروزی نفت و هر پیروزی دیگر که نصیب ملت ایران شد از برکت رهبریهای شاهنشاه است



* در مرور بودجه عمران ۱۸۲ - ۱۳۵۰ - ۱۳۴۹
که در بودجه سال ۱۳۵۰ - ۱۳۴۹
میلیارد ریال است سال آینده
شاید چندبار بمجلس میان قوه و
سلط مختار عمرانی را زاین هم
بالا نمیریم
* میکومندن از طرز کار
سازمان اداری و استخاده ای کشور
انتقاد کرد. چه وقت شده که من از
جمهورها را وشن میکنند و حرفان
قرمه هارا را وشن میکنند و حرفان
را بهم میز نمی باید هرچه هست
با عملت در میان کنداشت
اگر کوئی وباها میکنند و با مصیح
میکنند و با آنها میکنند و با مصیح
هم این است.
* پیشیوانی دولت از صنایع
منزه دارد که متفاوت مصرف کنند
است. بقیه در صفحه ۸۴

اخطر ایران

بیانیه که دیشب، از طرف دولت
ایران درباره بحران خاورمیانه هری، انتشار یافت،
وزنه بی است که که مصلح و آرامش و حق طلبی را در خاورمیانه
سفکن میکند.
سیاست ایران درباره جنگ اسرائیل با اعراب،
از آغاز روش بود، وابهای نداشت. اذنشتین روزهای
در گیری بود، که شاهنشاه ایران، خطاب به دنیا، فرمودند،
بقیه در صفحه ۸۴

دفاع از بودجه و دفاع از پیروزیهای ملی

امروز، با نطق آفای هویدا، نخست وزیر،
لایحه بودجه سال ۱۳۵۰، لایحه بودجه راه بیشتر و پیشرفت
و بقیه در صفحه ۸۴



شرکت سهامی پخش کود شیمیایی

FERTILIZER DISTRIBUTION COMPANY

آگهی فرخ جدید کودهای شیمیایی

برای اطلاع عملاً مندانه مصرف کنند کان کودهای شیمیایی نرخهای جدید پیش از زیر اعلام میکردد:

نقد هر تن	اوره	بیانیه دامادیم	سوپرفسیلات قریل	فیقات دامادیم	سوپرات دووناس	مخلفت
۷۹۵۰	۷۹۵۰	۷۹۵۰	۷۹۵۰	۷۹۵۰	۷۹۵۰	۷۹۵۰
۴۳۵۰	۴۳۵۰	۴۳۵۰	۴۳۵۰	۴۳۵۰	۴۳۵۰	۴۳۵۰
۷۹۰۰	۷۹۰۰	۷۹۰۰	۷۹۰۰	۷۹۰۰	۷۹۰۰	۷۹۰۰
۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰
۸۲۰۰	۸۲۰۰	۸۲۰۰	۸۲۰۰	۸۲۰۰	۸۲۰۰	۸۲۰۰
۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰	۹۲۰۰

شرکت سهامی پخش کود شیمیایی

نطیق آقای دکتر اقبال در جلسه
نهضت مدری دانظام یز شکی

اطباء به عنوان مختلف شکایات مبتلی شدند و اینها بروشهای مختلف دارد که هر وقت بخواهد میتواند میان اینها که از آنها در کاربردها میگذرد، که به آزادی گرفتار شوند.

عہادت و حدانی

خوب شنخته اند در میدی نودونه آن
پرچم جمهوری ترقیتی معمولی
که پریشان نیست و لی سایقاً مسطوی
که آقایان مسطوی دادگر داده
هرمیند داد اینها برای دادگستری
و لی همینقدر که کسی میرفت به
دادگستری تا موقیع که
شرط رسید و میتواند خواهد
نحویان خوشی و عنوان
بیزیزش در معرض خود
حالاً با این تصریف که ما داد
دادگاهی میگردیم و من وظیفه
میدام در اینجا از زندگی دادگاهی
و قضاای که با ما همکار
نمیباشد میهمانه شکر کنم.
پرسنکی هم دقت میگذند که اگر
حقیقتی پرسنک خطا کرد
شید و بنده شخصاً در اینجا
آقایان عرض میکنند و گزینش
اختار ندارند این در زندگی این
است که پریش هست و از
جهت خوبی مقدم میگذرد که
کشور ما آن نام حقیقی
پریش میگذرد و احترامی که
باو یکناردن کاملاً محفوظ
و اگر خدای ناکرده یک
پریشان و همکاران
کرده باشد که مستوجب تعقیب
تبیه باشد پایی اینها غافل
و اگر خدای ناکرده یک عاقله
درینین ماهست پایی کند و
انداخته برای اینکه ما پای کشید
و جدالی و شرفتی داریم
هیچ کدام از فرقه هایی
ملکت ما هست با در دنیا
وجود ندارد و آن حفظ جان
است که بری عدهه ماست.

پر پر میرا میرا میرا میرا میرا میرا میرا
ت میرا میرا میرا میرا میرا میرا میرا میرا
یان عزیز، خلیل شترکم
دکتر مصطفوی که امش
دوستانه را تکمیل
که تجدید دیداری از تمام
همایع، همایع ایشان

۶۲۱۷۲۹
۴۹۰۱۲۷۳
۳۷۰۱۲۷۴
گنجینه‌های تاریخی شرکت پژوهشی مهندسی
محمد‌مهدایی جهان‌پروری برای
نظریه‌ماده ۱۹۷۰ قانون تجارت
و ماده ۱۸ آئین نامه‌های قانون خلاصه
دستورالعمل از کنتمانی و استانه شرکت
پژوهشی مهندسی محمد‌مهدایی جهان‌پرور
و شرکت با مستویات معمود که در
قاریارسانی سازده زیرین بهمن ماه ۱۳۴۵
در اداره میراث فرهنگی ایران اداره
دستورالعمل ۱۴۸۴ در اداره
و هاشم رسیده‌ور ای اطلاع عموم در
روزنامه رسمی و یکی از روابط
کشوری انتشار یافته و میراث فرهنگی
مشترک است.
۱- نام و نویش شرکت پژوهشی مهندسی
محمد‌مهدایی جهان‌پروری برای
نظریه‌ماده ۱۹۷۰ قانون تجارت
و ماده ۱۸ آئین نامه‌های قانون خلاصه
دستورالعمل از کنتمانی و استانه شرکت
پژوهشی مهندسی محمد‌مهدایی جهان‌پرور
و شرکت با مستویات معمود که در
قاریارسانی سازده زیرین بهمن ماه ۱۳۴۵
در اداره میراث فرهنگی ایران اداره
دستورالعمل ۱۴۸۴ در اداره
و هاشم رسیده‌ور ای اطلاع عموم در
روزنامه رسمی و یکی از روابط
کشوری انتشار یافته و میراث فرهنگی
مشترک است.
۱- نام و نویش شرکت پژوهشی مهندسی
محمد‌مهدایی جهان‌پروری برای
نظریه‌ماده ۱۹۷۰ قانون تجارت
و ماده ۱۸ آئین نامه‌های قانون خلاصه
دستورالعمل از کنتمانی و استانه شرکت
پژوهشی مهندسی محمد‌مهدایی جهان‌پرور
و شرکت با مستویات معمود که در
قاریارسانی سازده زیرین بهمن ماه ۱۳۴۵
در اداره میراث فرهنگی ایران اداره
دستورالعمل ۱۴۸۴ در اداره
و هاشم رسیده‌ور ای اطلاع عموم در
روزنامه رسمی و یکی از روابط
کشوری انتشار یافته و میراث فرهنگی
مشترک است.

شناختن مهندس محمدزاده و اوزر
شريك
۲- موضوع شرکت - وظیفه
تولید و توزیع انواع کالای اداری
پالاسکی و کورادیون و توزینات
م歇 اختراع با سیل و ایجاد انجام
هفت فعالیت که با موضوع شرکت
بطورستقمه و غیر مستقمه ارتباط
داشتند باشد.
۳- مرکز اصلی شرکت -
تهران خیابان روزولت بالا آزاد
نهضت جمشید کوچه خزانه شماره
۶۶
۴- مدت شرکت - از تاریخ
اول بهمن ماه ۱۳۴۹ بمدت
نامحدود.

۵ - قاعده‌های شرکت - ایرانی.

۶ - سرمایه‌های شرکت - مبلغ
سیده‌دان از ریال که هم‌اکنون پرداخت
شده است.

۷ - موسمین شرکت - آقایان

۸ - هم‌مند محمد‌هادی جوان‌سوز-علی
کیا به انسوز

۹ - مدیر و امدادگران شرکت
و داران دیگران که حق اعضا - آقای
محمد‌هادی جوان‌سوز مدیر عامل
شرکت شدند و حق اعضاء کلیه
اوراق و استادیه‌هادر چک و سفته
بین این و فقر از داده‌ای تهدید آور و
استفاده از بایهای چاری و
ثغات در پانکها بالاضمه عذر
عامل به تنها وی و با هم شرکت
میباشد.

۱۰ - سعین ان کرسی‌سما مایه‌ذخیره
از سودویته صدکده

۱۱ - انتقال شرکت - طبق
قانون تجارت است .

۱۲ - رئیس اداره ثبت شرکتها و
مالکوت صفتی سمه‌دی نراقی
مالک ۱۳۶۰

اد اذن سما

انان تا موقعی که زنده
و تا موقعی که سالم هست
زنگی دارد و به محظی
عاقفمند میشود، بعد از
قوت کرداوایزن دنیا رفت
در دل نیکد که آیا کسی در
دنیا هست ایدهایی وجود
از این مجهت آن چیزی
میرین است میگویند جان اسان
با تامین بیوهات و تامین
کی آن بست اطلاعات سریعتر
جهت با الترين و شریقان
اجتماع اخراج باشد یا بدیگفت که
طبقات اجتماع محتاج خدمت
دی باز پژشکان هستند
که اول وظیفه خود ما هست
که بگذاریم این اختصاری که
میگذرد نسبت به ما داشته
حقیقت از مضمی
که پژشک باید
تحصیل داشته باشد برای همه
وظیفه بیان از این مجهت هست
شاه آرامه هر نظام پزشکی
بله دن ما اخلاقات بینین باز
پژشک و پسین پژشک
بیمار در یک صحیح پزشکی
بله خود پژشکان رسیدگی شود
ما نکرده بیک پژشک که او و
جایز اخلاقها
خطای نمود آنرا خود

پا تو رو سه ای مجید و آخرین
 مدل معمورونه بضم تقاطع ایران
 مسافت فرماید.
 اول سوم استند
 ملکن های
 ۳۲۳۷۴۶۲
 ۳۲۱۵۰۶
 خیابان امیر کبیر
 ۳۱۲۱۰۴۲
 ملکن های
 ۳۱۲۱۷۷۳
 ۳۱۰۸۱۶

برنامه اول
کلوبزیون
ملی ایران

- | | |
|------------------------------|------|
| سلام شاهنشاهی | ۱۸۰۰ |
| واطلاعات نامه | ۱۸۰۱ |
| تلاوت آیات از کلام الله مجید | ۱۸۰۲ |
| اخبار | ۱۸۰۳ |
| (نوجوانان (ورزش) | ۱۸۰۴ |
| فیلم‌چادوی علم | ۱۸۰۵ |
| حافظت و ایمنی | ۱۸۰۶ |
| اشعار مذهبی | ۱۸۰۷ |
| مناجات | ۱۸۰۸ |
| مشروط اخبار | ۱۸۰۹ |
| خبراء با فیلم‌های خبری | ۱۸۱۰ |
| ستخر ای مذهبی | ۱۸۱۱ |
| از همه‌جا | ۱۸۱۲ |
| سایه‌های چون‌ها | ۱۸۱۳ |
| ـ | ۱۸۱۴ |
| سلام شاهنشاهی | ۱۸۱۵ |
| واطلاعات نامه | ۱۸۱۶ |
| تلاوت آیات از کلام الله مجید | ۱۸۱۷ |
| ذوق‌الله | ۱۸۱۸ |
| ستخر ای مذهبی | ۱۸۱۹ |
| فیلم مستند | ۱۸۲۰ |
| رویدادهای هفته | ۱۸۲۱ |
| ستخر ای مذهبی | ۱۸۲۲ |
| مناجات | ۱۸۲۳ |
| مشروط اخبار | ۱۸۲۴ |
| خبراء با فیلم‌های خبری | ۱۸۲۵ |
| پهلوانان | ۱۸۲۶ |
| ستخر ای مذهبی | ۱۸۲۷ |
| پیر نامه ۵۰م | |
| قلوب هزار یون | |
| ملی ایران | |
| ـ | ۱۸۲۸ |
| ـ | ۱۸۲۹ |
| ـ | ۱۸۳۰ |
| ـ | ۱۸۳۱ |
| ـ | ۱۸۳۲ |
| ـ | ۱۸۳۳ |
| ـ | ۱۸۳۴ |
| ـ | ۱۸۳۵ |
| ـ | ۱۸۳۶ |
| ـ | ۱۸۳۷ |
| ـ | ۱۸۳۸ |
| ـ | ۱۸۳۹ |
| ـ | ۱۸۴۰ |
| ـ | ۱۸۴۱ |
| ـ | ۱۸۴۲ |
| ـ | ۱۸۴۳ |
| ـ | ۱۸۴۴ |
| ـ | ۱۸۴۵ |
| ـ | ۱۸۴۶ |
| ـ | ۱۸۴۷ |
| ـ | ۱۸۴۸ |
| ـ | ۱۸۴۹ |
| ـ | ۱۸۵۰ |
| ـ | ۱۸۵۱ |
| ـ | ۱۸۵۲ |
| ـ | ۱۸۵۳ |
| ـ | ۱۸۵۴ |
| ـ | ۱۸۵۵ |
| ـ | ۱۸۵۶ |
| ـ | ۱۸۵۷ |
| ـ | ۱۸۵۸ |
| ـ | ۱۸۵۹ |
| ـ | ۱۸۶۰ |
| ـ | ۱۸۶۱ |
| ـ | ۱۸۶۲ |
| ـ | ۱۸۶۳ |
| ـ | ۱۸۶۴ |
| ـ | ۱۸۶۵ |
| ـ | ۱۸۶۶ |
| ـ | ۱۸۶۷ |
| ـ | ۱۸۶۸ |
| ـ | ۱۸۶۹ |
| ـ | ۱۸۷۰ |
| ـ | ۱۸۷۱ |
| ـ | ۱۸۷۲ |
| ـ | ۱۸۷۳ |
| ـ | ۱۸۷۴ |
| ـ | ۱۸۷۵ |
| ـ | ۱۸۷۶ |
| ـ | ۱۸۷۷ |
| ـ | ۱۸۷۸ |
| ـ | ۱۸۷۹ |
| ـ | ۱۸۸۰ |
| ـ | ۱۸۸۱ |
| ـ | ۱۸۸۲ |
| ـ | ۱۸۸۳ |
| ـ | ۱۸۸۴ |
| ـ | ۱۸۸۵ |
| ـ | ۱۸۸۶ |
| ـ | ۱۸۸۷ |
| ـ | ۱۸۸۸ |
| ـ | ۱۸۸۹ |
| ـ | ۱۸۹۰ |
| ـ | ۱۸۹۱ |
| ـ | ۱۸۹۲ |
| ـ | ۱۸۹۳ |
| ـ | ۱۸۹۴ |
| ـ | ۱۸۹۵ |
| ـ | ۱۸۹۶ |
| ـ | ۱۸۹۷ |
| ـ | ۱۸۹۸ |
| ـ | ۱۸۹۹ |
| ـ | ۱۹۰۰ |
| ـ | ۱۹۰۱ |
| ـ | ۱۹۰۲ |
| ـ | ۱۹۰۳ |
| ـ | ۱۹۰۴ |
| ـ | ۱۹۰۵ |
| ـ | ۱۹۰۶ |
| ـ | ۱۹۰۷ |
| ـ | ۱۹۰۸ |
| ـ | ۱۹۰۹ |
| ـ | ۱۹۱۰ |
| ـ | ۱۹۱۱ |
| ـ | ۱۹۱۲ |
| ـ | ۱۹۱۳ |
| ـ | ۱۹۱۴ |
| ـ | ۱۹۱۵ |
| ـ | ۱۹۱۶ |
| ـ | ۱۹۱۷ |
| ـ | ۱۹۱۸ |
| ـ | ۱۹۱۹ |
| ـ | ۱۹۲۰ |
| ـ | ۱۹۲۱ |
| ـ | ۱۹۲۲ |
| ـ | ۱۹۲۳ |
| ـ | ۱۹۲۴ |
| ـ | ۱۹۲۵ |
| ـ | ۱۹۲۶ |
| ـ | ۱۹۲۷ |
| ـ | ۱۹۲۸ |
| ـ | ۱۹۲۹ |
| ـ | ۱۹۳۰ |
| ـ | ۱۹۳۱ |
| ـ | ۱۹۳۲ |
| ـ | ۱۹۳۳ |
| ـ | ۱۹۳۴ |
| ـ | ۱۹۳۵ |
| ـ | ۱۹۳۶ |
| ـ | ۱۹۳۷ |
| ـ | ۱۹۳۸ |
| ـ | ۱۹۳۹ |
| ـ | ۱۹۴۰ |
| ـ | ۱۹۴۱ |
| ـ | ۱۹۴۲ |
| ـ | ۱۹۴۳ |
| ـ | ۱۹۴۴ |
| ـ | ۱۹۴۵ |
| ـ | ۱۹۴۶ |
| ـ | ۱۹۴۷ |
| ـ | ۱۹۴۸ |
| ـ | ۱۹۴۹ |
| ـ | ۱۹۵۰ |
| ـ | ۱۹۵۱ |
| ـ | ۱۹۵۲ |
| ـ | ۱۹۵۳ |
| ـ | ۱۹۵۴ |
| ـ | ۱۹۵۵ |
| ـ | ۱۹۵۶ |
| ـ | ۱۹۵۷ |
| ـ | ۱۹۵۸ |
| ـ | ۱۹۵۹ |
| ـ | ۱۹۶۰ |
| ـ | ۱۹۶۱ |
| ـ | ۱۹۶۲ |
| ـ | ۱۹۶۳ |
| ـ | ۱۹۶۴ |
| ـ | ۱۹۶۵ |
| ـ | ۱۹۶۶ |
| ـ | ۱۹۶۷ |
| ـ | ۱۹۶۸ |
| ـ | ۱۹۶۹ |
| ـ | ۱۹۷۰ |
| ـ | ۱۹۷۱ |
| ـ | ۱۹۷۲ |
| ـ | ۱۹۷۳ |
| ـ | ۱۹۷۴ |
| ـ | ۱۹۷۵ |
| ـ | ۱۹۷۶ |
| ـ | ۱۹۷۷ |
| ـ | ۱۹۷۸ |
| ـ | ۱۹۷۹ |
| ـ | ۱۹۸۰ |
| ـ | ۱۹۸۱ |
| ـ | ۱۹۸۲ |
| ـ | ۱۹۸۳ |
| ـ | ۱۹۸۴ |
| ـ | ۱۹۸۵ |
| ـ | ۱۹۸۶ |
| ـ | ۱۹۸۷ |
| ـ | ۱۹۸۸ |
| ـ | ۱۹۸۹ |
| ـ | ۱۹۹۰ |
| ـ | ۱۹۹۱ |
| ـ | ۱۹۹۲ |
| ـ | ۱۹۹۳ |
| ـ | ۱۹۹۴ |
| ـ | ۱۹۹۵ |
| ـ | ۱۹۹۶ |
| ـ | ۱۹۹۷ |
| ـ | ۱۹۹۸ |
| ـ | ۱۹۹۹ |
| ـ | ۲۰۰۰ |

تل آویو

بوسیله ال عال

خطوط هوائی اسرائیل
در غرفه بدون گیر کش فرود گاهه نمک توپو
قیمه تهیی نازل خرید فرمایند

جنرال استیل اولین یخچال ساخت ایران

بزرگ
۱۴ فوتی

شرکت صنایع پارس و آمریکا

هنو - آنک یشه

ظار عملی از سوی آنان انتظار کرده در آتشی زدن» است و
دست کردند! اینکه فردی که شاید، گشایشی روی نمایاده و کارهای
می‌نماید این دستور را می‌خواهد! باید اینکه در خود کسی که
این دستور را می‌خواهد! اینکه در خود کسی که این دستور را
می‌خواهد! اینکه در خود کسی که این دستور را می‌خواهد! اینکه
این دستور را می‌خواهد! اینکه در خود کسی که این دستور را
می‌خواهد! اینکه در خود کسی که این دستور را می‌خواهد!

مشخوند از همان است
و فرش اینکه، هرود اول صحیح باشد و اداره هر هنر
فارس را سال جگاری، در زمینه هنر و در راه پیشبرد آن
شیدن از کوش بر خاسته، چرا این فماقیتها در پرسه
فرا مانده است و حال آنکه حقی تشکیل یک کلاس
همیت با آب و تاب و حقی از طبقه ایگوی، معلمی شده است
و بازم در سوریه که این اداره، معلمی اینهام
و اراده به ارزیابی آن فست، آن را سنجیدم، و دریافت،
آیا اینجا چند کارهای، خایسته اداره ای انتخاب
نمایند و آیا آن کار، دارای ارزش بوده است و با
نیای آنرا، صحیح و در جهت پیشمرد هفر، بیاید
نمایند؟

اما، درصورتی که مورد دوم عدم ممکن باشد و هبایاور این مورد به واقعیت نزدیکتر است. به معنای پاک که به حق و به شریعت خود روزگار خود عقق میورزد هنوان کسی که هاده‌خواه ریشه‌های اصافت هنری در آن راست میپیرم، جزا اینکوئه باشد؛

عنی فقهه‌های ارجاعی در نامه‌های اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدرسان و دانشجویان در سال جاری کدام تغیر انسان شد که این اتفاق اولیه یا امام‌خانه خواهانی و از رشته‌های

سوی اداره فرهنگ و هنر فارسی شکل گرفته است؛ بر نامه
ی شورای امنیت کشور، به آن گونه که به مرحله اجرای در میان
دام تحریر کرد، را در شرعنامه انصوص وجود آورده است. رجوهای
رود و کلان هنری که وابسته بآن اداره هستند چنین نامه
مخصوص بر نامه اصلی و عمومی، بروز سمعه اورده اند.
با مشکلهای ناشی چه، در ترتیب بر نامه های موسیقی
نمایند اعضا، شاید پاسخ مشمولیت موقوته تهیه باشند.
مراهه ای این نکته را آواره و روشون که انجام این گونه
ماهیگذاری دارد این اینکه این انجام این گونه
بر نامه های خودی، نه تنها غیرهمم ممکن بظاهر میرسد، بل
نه بدل است. چرا شهربازی از، با آنکه همه قدمت تاریخی و
فرهنگی این ایجاد را میتواند خود را در این روزگار
قدمشوده ای، حقیقت همانند، و در این روزگار
داده باید، ورانسانی همیظمه فرهنگ و فرهنگی خود را میگذراند
از این ایجاد را میتواند، باشد که بطورمرتب انتشار یابه
آنچه همین ایجاد را میگذراند شنید از باشد؛ بازهای گفته ام
که این ایجاد را از این نظر، در میمهای فرقه ای از شهرهای دیگر نیست.
فروندگان هنر در این شهر، آفریده های هنری خود را به
شریات سایر ولایات میرسرستند. چرا؟ چون در شنید از
هر این ایجاد را میتوانند، لاید تصور میراند که این
کارچه را بدانند. لاید تصور میراند که این
الا مقصدان از کسیه پر فروخت خود، همانگونه که تئی چندان
مقصدان جوان. گاهکام، عملیکنند و کاهتماهه ای را
نمیتوانند. نئونهای را بگردانند، این وظیفه فرهنگ

هر است و سی
از موکادیکن، اداره فرهنگ و هنر، بر طبق کدام
قابلیت، زمام کمیته ها و پیمانه های هنری خود را بدست
قرار دید و دامست که با هنر امر و وزیر کانه آنده شاید باشند چون
ماهیت که بعض از هنرمندان، و فیلم، هاعران، هنرمندان
آنها دعوت بهم آوردم، همکاری نمیکنند. دلیل این امر را
در کجا باشد چو در چنانچه و قصی محیط هنری از لذائی
سرشار باشد و هنرمندانیکه هنرمند بتوانند آزادانه بودند وجود
»خوشکن های مواجه« به عربان گرد هنر خود را اندیشه
خود و پشمینه، دیگر دلیلی وجود ندارد که او از فعالیت
وارانه هنر خود و همکاری با آن اداره امتناع ورزد
فرهنگ و فرهنگی پیش از آنکه «در مایت» بیندیشه و
»اسالت« فکر کند. ا. من، زنگاه را برای پار آخ رصد
درمی آورم، ادامه راهی کشما در زمینه های مختلف در پیش
کرته اید، و مسکون، خودمی و سرانجام مرک سیاحی منطقه
میگردد. بسته و پلی خود را پاره کنید. بگفارید در
کاخون عالی هنری هم، هوای آزادی چیزیان یابد. وست عده ای
»ادبیات« و محققان کار و آنها را که با هنر امر و وزیر کانه آنده
کوته کنید. اندیشه ها و هنرها چون را به مسکاری بخواهند.
محرومیت سازی که انسان در آنها، در موجودیت هنر
شک نکند.

واین سخن آخر عن بود. هر مثداں اصل شیر از سلما
اون نهادار در میان بشد و هامخ میکوئند و پاره برمه و خپور نند.
این سخن آخر بود و مسلماء در اسلامی که در راست است، دیگر در
انتظار معرفت نمیمانند.

**شاهی در متن، شاهی در حاشیه
خرچنین است؟**

میرضیاء طبائی

کایه شامام تبر و کرد مایند ۴، تپه و کرد مایند ۵،
گونه شلمای خاموشی میگیرند ۶، چنگونه کاتوی کس
تو اندسته تبلیغ ایشان را، فضار از کرمی مرشار کنم، حوارت
فرینه زناده همان آن، سمه و پلیتی آخاذان، کرمی کسب
ندوه و ارتفع و بخوبی، اندانه اندک و خاموشی میگیرند ۷،
با پسر دی شیوه و در انجام منبعه دیده میانند ۸.

زمیگردم؛ ماهها، یکی پس از دیگری سیر گشتد. هفتادها رفت اهرا رفت و سرانجام، آخرین ماه سال هم از راه دررسید و می از هر آن مه، بست و ادعا سیر گشتد. و هیچ همچو همراهی، نیک، کوب و همچو «چاراکه»

تیاق رادر باورمن زنده تندز مهندیم «بایار»
بهرما کهنه چشم برا آهان بود و هستم و از سوی اینان
باورمن، مهندیم در از راههای خود رفت و چشم
باورمن، همچنان در راههای خود رفت و سر اینها سهیانه از قلمرا
یافت و مرد و نسوان این سطوار دعوت کرد. در گفته شد
چندمورد دارد. علی گفارهای حق حضوری و بیان طریق مقابله ای
در دهه همین صفحات در چند بیرونیه کاروس انجام فعالیت ای که
از رهبری هنرخان و هنر فارس با پایان آنها نهاده است. اشاره کردند ام
نظار دائم و اکتش، به در قالب سخن و وعده، بل در فرم
ل و اقام از سوی زنوزعای قوم آن اداره جمله عمل مدل آید.
بر هبار، زلالي انتظار من ای «هیچ» بی کرد و در یافتم که

ریت یافت و سالهای دران کتاب درسی بود. بی‌آنکه
ملحق داشته باشد. و از جهتی، بایه کار تدوین مسوغه‌بان
آن شادروان، بر مدار صرف و نحو هرب گفته‌های بود.
بی‌یه است، در کن که امور از زبانها و اسالت و استقلال
آنها هاست، آذمزمان نموده. کار و نیک که درین زمینه‌ها انجام
نمی‌شود، این انتشار ایجاد نموده. و درین میانه امید و آزموده بودند.
آن فارسی بود که شادروان **عبدالله** را **همایون** نخواخ فراموش
درین نموده، ایندا **سلیمان** بکار گرفته شده. که قرابت
می‌شود. با این وصف یک‌باشه و اصل است و نیاید در آن
شود همچنین سالها، از مجهوده مقالات و مطالعه‌جند
زجله شادروان بهار، فروزان، از استادان جلال‌هایی
دستوری بر اهدادرس نهیه شد که **جاثین** سور **عبدالعقل** نموده
اشکده ادبیات نئین استادان، پاره‌یی هناری ایجاد و صورت چو
ن قدریس کردند. که جامع نموده، و سه کتاب شاهزاد
نیزه که اهل کتاب کجنه‌یه بیشمار مریفت. در
آخر، دستور دستور زبان نویس بالاکرت، و علاوه‌بر آن درند
آن استادان دستورهای ناقص خودرا بصورت کتاب در آوردند
در معلمات نین، به ملخصی می‌سازده کردن دستورهای ظاهر
آن دستورهای خان رو اورده و کتابهای فاقد اصالت

راندن و قبول نامه توپی دادند.
آن شنیدم، کتابی مطمئن است و گمان میبرم اصولی که در
کفر خلافتی تالیف کرده است که روی فنه میتواند
کرک، پلک و سوراخ کامل نیست، ولی با تعریفها که از نقل نموده

رک فته شده اسلوب کن افراد باشد.
هن این مقالات فراوان، در مجلات آمده است که واردی
پر ازش است. ولی دریغ است که درین میان، به مردم
از داشت زبان فارسی، چون پو^{نه} گفتابی از درین
مجال پیکار اساس و مستقل داده نشده است.
پیشتر درین است که مردی پیکار، که سالهای
بین زبان فارسی بوده است، ادب و حکومت و گذشت آن
کیفر و فروتن است و خود را از جمهور حادیه سازان و مقام طلبان
داشته است، و چون کتابخانه خود همین تبارد و چهل سال
را این کار گذاشته است، و متوجه ساخته است که با ویه و اسا
ست از زبان فارسی است، و چندین سال است، این کنجکاویه را این
ده دارد، و همچنان مقام از اینهده داده داران حق است من
و فرنگیکاری کاوش فراهم می‌دارد، در گوشه کتابخانه آن پاکی
ی تحقیق و کاوش فراهم می‌شود. آن مرد و اسرفه، اسفاده کاوهای
بر، غبارزدگاریمیشود. آن را کرده است. و ای کاش، ها
ی دیگر داعیه خدمتی نزدیک را کرده است. و ای کاش، ها
ی ایشانه همان، ایزول از فرهنگ و هنر، و وزارت آمورش
با آنها ممکله «خدمت» که دارند، امیدهایم می‌زیم
نیست، ناشی صاحب سرهاده و صاحب بخت، به طبع این
که عصر ما، که بزرگشی و خدمت فراموش شده است، آستین
د.

دفاع از زبان فارسی

نمری بزرگ که غبار فراموشی
آن نشسته

در مصعره هزار خدمت، بنزگشین خدمت فراموش
هست شاید بدان سبب که برگزیری خدمت، دشوار است، و کم
پردازی زیان فارسی، در حد پایه، نیازمندی های گوناگون دارد.
نخستون نیاز، دستوری است، که هیات اصلی زیان را،
براست گند.

شما می‌سیار چنگ پیون مافت داده و برسی کردید و بجهانی
بینهاید، و درین کار دیده‌اید کسانی چکوونه رک کردن بجهانی
بشت و برخان همیکنند. این ندیده‌اید که این یوکارا خود
دوچار چهارمی برسد. چون، زبان، مثل مرچ و جوز خوش و پرشی
و خوش بگویند است. و همانطور که انسان خوبی‌تر است،
آن‌ها که چیز نخشیدن اینها های زندگی اجتماعی اوست، تا افر
ین است. و نهون و برس لفظ فارسی و پیکانه، ولن‌ت مهیور بکار
زدن با اصرار در هر سه لفظ پیکانه بمعنو افضل فروشی درواقع
نمک‌ستان و خواه است. خاصه‌بر از چنانی که بعنوان آن، از چندسو

رد باخت و تارق ازداده.
کارهای فنیان فارس زدن اصل و کاربردن لغات پیکاوه

مشکل زبان ریاضی در میان اینها بود. هرچند زبان زندگی خواهید یافت که آن تأثیر ریاضیات
نمی‌گیرد، دلنشت دو روایا شد. مشکل زبان ما باینست که بمروز به
کان دستور آمیخت شروع شده است. یا و قوام
زبان، قواعد اصولی است که بر آن هاری است، و هممری
لاری باشد از هر عنصر تهدید رفته که زبان دارد. و گردن لغت‌ها،
و گردن و پایانیمیدارد، و گردن که از این ایام می‌گذرد فن هنر کتابه
ی فارسی نیز از اسراه رانگان کنید. بسیار لغت در آنها هست که
جز در دادگان فراوششده در آمده است. و در میان آنها، چن
ماهیز لغات فارسی گروه لغات پیکانه را می‌توان یافت که وارد
بر فارسی شده بود. اینها بدان معنی هستند که صفت ناجمهه مشود،

این هزار سال بیرووال و استوار مانده است ،
اگر این پیاده آسیب میدهد ، دیگر زبان فارسی ، یا زبان
منود و در داخل فضای قواعد زبان که بر آن تسلط یافته بود ،
میمیدد . یکی از ملکهای فارسی ، در دوران امیر اوری
خلاف اسلامی ، گزرنگی را ، تمام زبانهای قلمروی خود
فرخورده ، همین بود ، که از پیاده ، زبان فارسی ، باز این را بی
دیگر داشت و باز زبانهای آن سو ، قرابت و پیوند
می بود . باین همایست با آنکه داشتمدن ایرانی ، همه فرهنگی
استقدام و تغایرات کثیر در آن زبان داردند ، در مقام چارچوبی ،
که مجهوzen شده بود ، قرآن را به فارسی درآورند . و فارسی
بایان ، قرآن را بین زبان خود در اختیار داشته باشند . چنانکه ،

قدمه تقدیم نمایند به قتوی و اجتیهاد قویه آن و مفاسد استفاده میشود.

کارهایی است، اما در اینجا باید مذکور شود، که بیشتر از هزار و سیصد زبان
گفتاری فارسی بکار رمیرود، هر چند شناخت چون قواعد و اساس زبان
می‌صیغه، خوبی خود را از دست داده است. و دیگر نمی‌توان، آنها را
می‌کیاره با قواعد و اساس زبان هر چیز اختلاف و
میانی ندارد. و همین موضع شده است که زبان فارسی از
جمل شدن درجه‌جمع سیل آسای هزار و سیصد ساله زبان هر چیز
امان چنان.

ولی دوران افزایش پیش از حد ارتباط با غرب، که تنها ازش برپا می‌گردید، درست سال ساقه صفتی شدن، و پیشقدم بودن در آغاز نتمنعی است، دارد، بصورت دوران تجاوز زبانهای بیگانه به زبانهای زیان فارس ظاهر می‌گردند، و عده‌هی خام و عده‌هی خالی از

تشریف کردند، پس از مذاقابه و تصریح خود دری میدان پیشگیری و مذکور شدند که نهضتها در زندگی های اخلاقی، بلکه، جسمانی است، در پیش نامه ای و آنچه را تحریم و تغییر توان و پیکاره ای - چشمها یعنی به بوب چشمها را زیبان انگلکلینی، یا مکمل آسپر دیده و گازده آن،
نهاده و اواره و تصریح برادر پیکاری، قرار گیرید.

اگر یک عامل این فساد را، که بسیار بروآخادر کن اساسی ملیت و
گماخته ناک است نفس اخلاق و خود باختکی آن قشن از روشنة کران
نه مقوسط و مرغه بکریم که بسیار زدود تن به شکل پیفری و
مت پیکانه، موهمنه، اما عامل اصلی را یا دید در نهض تعلیم و

رس ربان ازرس جست. که بوده و دارای اموزش و پرورش است. ما، علی الاصول، تا ارتقا طبقه هنر اروپایی، اه احیاج و متناسب دهنده ضروری احساس میکردیم که به تدوین اصول و نظریه زبان فارسی روایا دریم و برای اصل ادب، همچند قدر که در اوی هنون قیدیم، و یا آبوب واردگار فرهنگ ها، به تدریس با هم نشستند آشنازی با این مبانی فراهم میشد، و اگر باقی، علمی، و مدنی نبود، آشنازی سمعی و اسنقره ازی و خود رازی های ناشی از استعداد را و استنتاج بود. و از همان کتاب

وکارهای خارجی بود، در پارهه دستور زبان فارسی مطالبی، در قالب چندین عرض دارند، فن دیگرین، من بر اهنون المهم ساخت و تدوین اختصار کتابی مفید است.

بعد از اقبال مشروطه، توجه به تدوین دستور زبان افراد فارس آغاز شد. و یکی از عوامل، هلاکت خارجیانی بود که مواسنده زبان فارسی بیاموزند. و در میان تالیف های محدود، که قادر و نقد عالم خان قره بیگ گلگانی، نوشته و تدوین

پیغام امروز

روز یانه

وزیر دادگستری ایالت بایر آلمان
شخصیت جهانی شاهزاده شاه و شهزادوی

ایران راستہ ود

آفای داکت شاهنامه سفر
شاهنشاه آریا-هرود در جهودی
قدل آلاند آماند بر ایاد دیدار
شنهضیت هاشمیان ایات بازی به
موئین سفر کردند با اختت و وزیر
دادستگری ایات بازیون زین شهر داد
کل موئین ملاقات و گفتگوهای
انها در اداد

در پی افت ناهماری که با فتح خارس سفرو
شاہنشاهی تن قیب داد ضمن تجلیل
از شاهنیت جهانی شاهنشاه آریا هم
گفت: شاهنشاه اد، ان هنگام مسک

سخن هفت و امروز و
هشتم راهنمایی و مضمونه همانکاری ای
دوشنبه پیش بوده است و خوشبختانه
همانایات دوکشور هر روز تو سمه
پیشتر میباشد.

وزیر دادگستری در ریاض
گفت: مسافت شاختا و درهها او
نهایت افتخار دارد که براز
مردم این منطقه بود بلکه مهجب
قهوه و پاهای دوستی دوکشوره
و ماما برای این دوستی ارج فراوان
از مل

دکتر لقمان ادهم در پایان
شمن شنکل از زیورات مجهت آمین
ذبیح دادگستری گفت
همانطور که استخراج از این
جهن مادر برق تو رهبری شاهنشاه
از پریانه به ترقیات پسرگیری نائل
نموده است.

برای مدنی موجوب کمال مصروف
ست کامپونوم روایت ایران و
الان همواره برای اینه دستی ،
فاظام و اخترام مقابل استوار
روهه امانت، مادر ساخته ای صفتی
اجرای پروردگاری های هزارانی
پروردگار خود از همکاریها و تجارت
لسانی برای پنهان شدن و امدادواریم
پوچه به دفاتر سیاسی و اوقاتی
نام ایران آزان برخورد را است
واسط آلان و ایران نیز فرمات
پشت بر ایکه در دو کشور بیان

و نک	ورود .
شه	اعشب نیز سفیر شاهنشاه
ر فام	دریامهر در مراسمی که از طرف
دولت	گنگنول شاهنشاهی قریب داده
محل	نه ام است شرکت هیکله . در
خیا	وزیر امام شخصیت های آلامی
	ایران ایان مقام منطقه حضور

رند .
عوت یعنی خان
ز و هن اند اب

دعوت یهودی خان از رهبران احزاب

دنار یوحین خان روس
بهوری واکستان از ۱۲ تن از
بران احزاب سیاسی ها اکسپان
ی تکمیل یا تکمیر مددوه کرد
شده و مجبوب افرادی هنوز باید
روت باشند نداده است

نظام بزرگی ایرانی از این نظر اقبال روس هم دیده نظام بزرگی ایرانی نظر
در اجتماع نظام بزرگی گفت:

فام بز شک و احترام بز شک
در کشور های اید محفوظ
باشد و اگر بز شکی خاطی
بود در تعقیب و قبیله او فاید
اغماض کرد

تقویم‌های
فیض شوکت
هلی نفت
ایران

امال هم تقویمهای جا
کن کت ملی نفت ایران (تفا
عی و پادشاه روزانه) باقی
و جامیت هر چه پیشتر، قبل
تقویمه ساریه و مسافت کشور هم
بندو در اختیار علاوه‌دان
گرفت.
در تقویمهای شرکت ملی نفت ا
حواض و رویداد های
به منتهی ممکن کرد و بروای
راهنمای چالان برای ک
است که در کار نفت مطابق
می‌شوند.

و از اعیان از دیگر
تقویم این است که اصطلاحاً
از زان و مقادیر من بوط به نه
که هورده احتیاج همه کس
درین دارد .

عده‌ی شرکت ملی نفت
با مدیریتی چشمگیر تو
است دستگاه روابط عمومی
ملی نفت را به صورت یک
زندگی در تحریک و موثر در
صفحت نفت ایران، با این افای
در آورد.

آقای امیر اوفویی
و سلیمان خاص ، تقویتی
ش رکت ملی نفت را بصورتی
ومورد پسند همود مرآدر آمد
و باید گفت نامنقولی
از لحاظ نفاس و ظرافت
جامعیت بیان تقویم های
ملی افت ایران بررس .

وضع من متزلج شود !
درباره درآمد های اما
محبت کردید .
نخست وزیر گفت در
ململک ما ناخدا نی نشسته
در عرض مدت کوتاهی مم
را از عقب افکاری بیک
بزودی و من مطغقی رسانید
بزودی نیز کشور ما از لحاظ
دارای ارزش و شخصیت
الاممای خواهد شد (اما)
- نخست وزیر سپس درباره
دقایق محبت درآمد و گفت
این بودجه از بودجه
هم مهتر است زیرا نمان
و استقلال مملکت است
(است)

انقلاب اداری

در مورد انقلاب اداری خود اذکار دارم با سرعت
نظامی داشته‌ایم درین راه پیشگیری
خود من هم از این سازمان
گرفته‌ام و این ایراد نه با
است که از مشکلات کار
نیوبوری، بلکه ایراد
اقدامات جدید و اساسی در
شروع بشود، و اولین قدم
راه تطبیق مقررات سازمان
اداری با قانون استخدام
است و بعد هم بتدریج تم
استفاده ام را هماهنگ
ساخت.

مذاکرات نفت
اندرز پنهاد.
فروهمید اگر جای نخست وزیر
بودم میخواستم چگونه خدا نگذشت
(خنده مدت نباشد کان...) مانع
نمودارند اگر جای بشه اینشید
اکسالاتور نخست وزیر را هم بینید
راجح به خارج از کشور قرقیز
و چامدان دیدست گرفق، خود
شما بهتر از همه میدانیده که کسی
مرتباً میرود و میدارد... از نظر
ما درین و مانع شدن از رتن
به تقدیم یک بودجه ناقص
هایی که لاپلاش راجح به
سوزمان و نبردی که در
کتابخانه نفتی داشتم درست
دیگر در سطح کشوری نیست بلکه
در سطح جهانی است. یاد کار
شناسان ما پیغام از روز بروند
و در کفرنخا هر شر کت کنند.
اعروم موند یک کیف گوچ به
دست مردم که کازاک کف شاکوجکتر
است. چون اعلاماً عاشماً کیتر
است در باره فروشگاه فردوسی که
کثیف است و شنیدن ملکه کیمیون
مخالف این فروشگاه شدید حالاً
هم از امس فردوسی خوشحال
نمیاید من سعی کردم اطلاعاتی به
می باورم ولی هنوز اطلاعاتی
از شما هم آقای رامبد، کاش اول
بودجه ما را می خوبند و بد
میگنند بمنک است ... عرض جدید
اگر کسی ممکن باشد از نمک شد...
درین از سمت
نیمیانم یعنی چهار هزار هم
دولت از نخستین پیشرفت نکد
کوش دیدم و باه اظهارات یکی
از هکاران شماکه در راس اطاق
صایغ قرار دارد و حیات دلت
از منابع را تجویز میکند!
رهنگاهی شما هم می غفاریت دارد...
بیشتر است که یک هم آهنگی بین
محثه های اغضای حرب شما وجود
داشته باشد.

(در این هنگام آقای رامبد
بر روی پیشستی خود زد و اجازه
محض خواست)

نخست وزیر گفت، ها برای
حیات از منابع خود مرزی قائلی
و آن بزر، حظ منافع مصرف
کننده است.

نخست وزیر گفت درین مملکت
هر کار انسانی که انجام شده است
ریزی شاهنشاه بوده است.

در اینجا محبت از نمک شد.

ترسب اشتباهی میکوید: « اول
بپیش داد بکو بپیش کانت! ام! ای
شما هم آقای رامبد، کاش اول
بودجه ما را می خوبند و بد
میگنند بمنک است ... عرض جدید
اگر کسی ممکن باشد از نمک شد...
درین از سمت

فروهمید اگر جای نخست وزیر
بودم میخواستم چگونه خدا نگذشت
(خنده مدت نباشد کان...) مانع
نمودارند اگر جای بشه اینشید
اکسالاتور نخست وزیر را هم بینید
راجح به خارج از کشور قرقیز
و چامدان دیدست گرفق، خود
شما بهتر از همه میدانیده که کسی
مرتباً میرود و میدارد... از نظر
ما درین و مانع شدن از رتن
به تقدیم یک بودجه ناقص
هایی که لاپلاش راجح به
سوزمان و نبردی که در
کتابخانه نفتی داشتم درست
دیگر در سطح کشوری نیست بلکه
در سطح جهانی است. یاد کار
شناسان ما پیغام از روز بروند
و در کفرنخا هر شر کت کنند.
اعروم موند یک کیف گوچ به
دست مردم که کازاک کف شاکوجکتر
است. چون اعلاماً عاشماً کیتر
است در باره فروشگاه فردوسی که
کثیف است و شنیدن ملکه کیمیون
مخالف این فروشگاه شدید حالاً
هم از امس فردوسی خوشحال
نمیاید من سعی کردم اطلاعاتی به
می باورم ولی هنوز اطلاعاتی
از شما هم آقای رامبد، کاش اول
بودجه ما را می خوبند و بد
میگنند بمنک است ... عرض جدید
اگر کسی ممکن باشد از نمک شد...
درین از سمت

زمانی خواهیم کرد !
آن خشم زد و چیزی بدست
آنرا نوشید و نه اینکه در
شبات شما هم طوری کل آلوود
نمیشد آنرا ماندی آب
آهشامید . (خندنه نهادنگان)
راجع به هزینه زندگی کاشاره
کردید باید بکویم ارقامی که در
موردن هزینه زندگی چاپ میشود
مال باشکنی را که اس و اگر
رقم هزینه زندگی را میدهد و
میکنید که تفاهمه دام هم ۱۳۴۹ هزینه
هزینه ۱۲۰۰ بالا رفته و حدس
میزند تا آخر اتفاق ۱۴۰۰ بالا
میروند نهنه کاری تدارم جز
اینکه این ارقام را قبول کنم و
قول کنید کایانی را چطور خسوم
هزینه زندگی را چطور محیط است.
اعمال سال اینچه
ا اکر هم ایرادی داشت

میشند.
من نمیدانم شب ها کجا میشود
رفت، ممکن است جاهای بروز و
خوش بگذرانید، ممکن است آن
خوشگذرانی قدمش بالا رفاقت.
موضوع خوب پوچه خود را
خانم سوپر هم نمست زمان چادر
دارد ؟ و سلاما مبلغ آن
هم بیشتر از این بودجه
میبینند که این بودجه
بدید همین قسم است تا شناسی
بیته ما سعی میکنیم سال
برای خودچشم ای زاده های
نهادن نهادنگان ، چه
اگلی و دولت
نخست وزیر خطاب به بشکوه
دو روز مرزی خود گفتاید که مجامعت

نهایت پیشتر خواهد بود ملساشان
بی از این بودجه خواهید
نمایندگان کنتم افاده ملتها ایران
و مواباهی کی این بودجه در
میکنند.) مصحح
ت و وزیر در اینجا سا لحن
خطاب به رامید کفت شما
زودی به توجه بریسم.
نخست و وزیر سپس درباره وضع
پدراشت و نکاروزی مصحت کرد و
خطاب به رامید کفت
خود شاد آقای رامید روزدر
این مملکت مالک تبریک بودید و
از اشکالات در کار کشاورزی پذیری
و اقتداء !
نخست وزیر خطاب به پژوهشکار
گفت : تاریخ برداره کار های
قشاوت خواهد شد همچنان شد - نیز
اگر قضاوت با شایعه میکرد
که در زمانی موضع را انتراف کید
که در مقدمه بودجه نوشته
د : « بدولت اجازه داد
له ! درست است دولت